

واکاوی فرایند بلوغ اجتماعی و کارکرد آشکار آن در دوره وزارت براساس آیات و روایات*

- صادق مشکاتی^۱
□ فاضل حسامی^۲

چکیده

فرایند بلوغ اجتماعی براساس آیات و روایات در دوره‌های زمانی مختلفی شکل می‌گیرد. شناخت هریک از این مراحل، همراه با ویژگی‌ها و خصوصیات خاص آن‌ها، انسان را در بهره‌مندی از شرایط مختلف توانمند می‌سازد. یکی از این دوره‌ها، دوره وزارت یعنی هفت سال سوم زندگی است. در این دوره، نوجوان تشبیه به وزیر شده است که این بیان دلالت دارد بر اینکه این مرحله از زندگی، دوره متفاوتی است. از این‌رو نحوه ارتباط با نوجوان و جامعه‌پذیری وی نسبت با دوره‌های پیشین تفاوت‌هایی می‌یابد. در واقع در این بازه زمانی، اگر فرزندان ارتباط مطلوب با سازه‌های جامعه‌پذیری داشته باشند، زمینه کارکردهای مهمی چون ازدواج بهنگام، تشکیل خانواده و آشنایی با مسئولیت‌های اجتماعی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول)
(meshkati@rihu.ac.ir)

۲. استادیار گروه مطالعات اجتماعی، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران (fhesami@gmail.com)

فراهم می‌آید. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که بلوغ اجتماعی و آشنایی با نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی، به صورت ثبت شده از هنگام تولد در وجود نوجوان حضور ندارد. بالفعل شدن آن، وابسته به ارتباط مطلوب با سازه‌های جامعه‌پذیری و کسب ویژگی‌های خاص در این دوره می‌باشد. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی و تحلیل فرایند بلوغ اجتماعی و کارکرد آشکار آن از منظر آیات و روایات است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کسب هویت و توانمندی اجتماعی، از جمله ویژگی‌های مهم و مؤثر در دوره وزارت است که باعث می‌شود تا فرزندان در ایفای نقش‌های اجتماعی، توانمند ظاهر شده و بتوانند عهده‌دار مسئولیت‌های اجتماعی گردند.

واژگان کلیدی: بلوغ اجتماعی، اجتماعی شدن، وزارت، کارکرد آشکار.

مقدمه

سال‌های آغازین عمر هر فرد، بدون شک از مهم‌ترین و مؤثرترین دوران زندگی است؛ زیرا در این زمان اساس شخصیت هر انسانی بنا نهاده می‌شود. در همین سنین است که صفحه ذهن و دل انسان، خالی و آماده اجتماعی شدن است. در این ارتباط، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلُتُهُ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛
قلب نوجوان چون زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود.

بنابراین در اسلام با توجه به اهمیت و تأثیر تربیت در سنین آغازین، فرایندی در قالب دو مرحله و یا سه دوره تربیتی مطرح شده است. مقاله پیش رو، روایت سه مرحله‌ای را در بلوغ اجتماعی فرزندان مورد توجه قرار داده است. پیامبر گرامی اسلام در این باب می‌فرماید:

«الْوَلَدُ سَبْعٌ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۴۷۶/۲۱)؛
فرزند آدمی در هفت سال اول زندگی سید و آقا، در هفت سال دوم فرمانبردار و مطیع، و در هفت سال سوم وزیر است.

هرکدام از این دوره‌های سه گانه در بازه‌های زمانی سیادت (از تولد تا ۷ سالگی)،

اطاعت (از ۷ تا ۱۴ سالگی) و وزارت (از ۱۴ تا ۲۱ سالگی)، می‌توانند به‌عنوان یک راهنمای عملی و تربیتی باشند؛ دوره‌هایی که هرکدام ویژگی‌ها و خصوصیات متناسب با شرایط سنی فرزندان دارند، که اگر به‌نحو درست و مطلوب مورد توجه قرار گیرند، در این صورت می‌توان فرزندانی مسئولیت‌پذیر در آینده داشت. اولین دوره، دوره سیادت و آقایی کودک است که ویژگی‌ها و فرایند خاصی دارد. دومین دوره با عنوان اطاعت، به دوره تأدیب و الزام نام‌گذاری شده است و سومین دوره، دوره وزارت است که در این دوره، اگر رشد اجتماعی نوجوان به‌نحو مطلوب مورد توجه قرار گیرد، قابلیت‌های اجتماعی وی در جهت بلوغ اجتماعی بالفعل می‌گردد؛ به این معنا که نوجوان به هویت و استقلال می‌رسد، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را می‌پذیرد و در ایفای نقش‌های اجتماعی توانمند عمل می‌کند (کریمی، ۱۳۸۵: ۴۰). حال با توجه به اهمیت و ضرورت پدیده بلوغ اجتماعی در استمرار موفقیت‌آمیز حیات اجتماعی و سعادت زندگی انسانی که در همه جوامع مورد توجه قرار می‌گیرد، نگارندگان در نوشتار پیش رو، در پی واکاوی و بررسی فرایند بلوغ اجتماعی و کارکرد آشکار آن در دوره وزارت براساس آیات و روایات هستند. پیرامون پیشینه پژوهش نیز باید گفت که پژوهشگرانی دیگر، برخی از ابعاد موضوع مورد بحث را از زوایای متفاوت دیگری مورد توجه قرار داده‌اند؛ از جمله: آذربایجانی و شجاعی (۱۴۰۰) در جستار «روان‌شناسی در نهج‌البلاغه»، معنای زندگی، رشد در گستره زندگی، خانواده، بهداشت روانی و... را مد‌نظر قرار داده‌اند. محمدصادق شجاعی (۱۳۹۹) در پژوهش «نظام تحول روانی از تولد تا مرگ بر پایه منابع اسلامی»، فرایند تحول روانی را از شیرخوارگی (از تولد تا دو سالگی) تا کهن‌سالی (از ۷۵ سالگی به بعد) تحلیل و تبیین نموده است. غلامحسین شکوهی (۱۳۶۸) در مقاله «ماهیت مراحل رشد و فلسفه دوره‌های تحصیلی» ضمن توجه به فلسفه دوره کودکی، نوجوانی و جوانی، دوره‌های تحصیلی را با توجه به مراحل رشد تبیین کرده است. محمدی (۱۳۷۵) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه، روش عبرت‌آموزی را یکی از روش‌های مورد نظر امام علی (علیه السلام) بیان کرده است. باوجود این دست تحقیقات باید گفت پژوهش‌های مذکور بیشتر به مراحل عام رشد، فلسفه تعلیم و تربیت، و مراحل رشد اخلاقی و روانی پرداخته‌اند. از این رو در تحقیقات

سابق، یا توجهی به این موضوع نشده و یا این پدیده ذیل مباحث کلی و عام طرح و بررسی شده است. این در حالی است که تحقیق حاضر، مسئله را به صورت جزئی تر و به گونه مستقل براساس آموزه‌های قرآنی و روایی مورد بررسی قرار داده است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. بلوغ اجتماعی^۱

بلوغ واژه‌ای عربی و به معنای رسیدن یا نزدیک شدن به انتهای امر یا پایان مقصد زمانی و مکانی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱۴۴). روان‌شناسان بلوغ را به معنای پختگی، نقطه اوج حافظه، درک مفاهیم اخلاقی و کمال اراده دانسته و به انواع متعددی از قبیل بلوغ جنسی، عاطفی، اجتماعی و... اشاره نموده‌اند (اتکینسون و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۳۲). یکی از مهم‌ترین انواع بلوغ، بلوغ اجتماعی است. بلوغ اجتماعی به این معناست که فرد بتواند با اتکا به خود و بدون استمداد از دیگران، از عهده انجام کارهای خود در موقعیت‌ها و وضعیت‌های مختلف اجتماعی برآید (احمدوند، ۱۳۸۹: ۲۱۷). همچنین در تعریفی دیگر، بلوغ اجتماعی به مثابه فرایندی آمده است که در آن، افراد با کسب باورها، هنجارها و مهارت‌ها، توانایی و استعداد مواجهه با محیط اجتماعی در حال توسعه را خواهند داشت. بنابراین بلوغ اجتماعی، نه ساخته قواعد بیرونی و نه ناشی از الهامات درونی، بلکه ماحصل کیفیت روابط متقابل اجتماعی است که بر اثر تعامل فرد با فرهنگ خویش (کریمی، ۱۳۸۵: ۴۰) و در بستر زندگی اجتماعی به وجود می‌آید. از این رو می‌توان گفت که بلوغ اجتماعی در واقع، یکی از جنبه‌های ارزشمند تحول و نمود بهینه اجتماعی شدن است (شکرالزاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۵).

۲-۱. اجتماعی شدن^۲

اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن کودک ناتوان به تدریج به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد شده، تبدیل می‌شود

1. Social maturity.

2. Socialization.

(گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۶). در تعریفی دیگر، اجتماعی شدن آن دسته از کنش‌های متقابلی است که باعث می‌شود تا افراد مؤلفه‌های اساسی شخصیت را که برای مشارکتشان در جامعه ضروری است، به دست آورند (ترنر، ۱۳۷۸: ۱۸۱). بنابراین اجتماعی شدن فرایندی است که از طریق آن، کودکان رفتارها، نگرش‌ها و توقعاتی را که جامعه یا فرهنگ از آن‌ها دارد، می‌آموزند (وید و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۱۴).

۳-۱. کارکرد آشکار

کارکرد آشکار به معنای پیامدهای نیت‌مند و شناخته‌شده کنش اجتماعی است که به‌عمد انجام شده است. به عبارت دیگر، چنانچه یک پدیده اجتماعی دقیقاً همان نتایجی را به بار آورد که مورد انتظار بوده است، به آن کارکرد آشکار می‌گویند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۷۴۹).

۲. دیدگاه‌های رشد اجتماعی

۱-۲. مقدمه

دیدگاه‌های رشد اجتماعی را می‌توان هم از طریق مطالعه متون اسلامی به دست آورد و هم با بررسی آراء و نظرات متفکران مسلمان بدان دست یافت. تقسیم‌بندی ذیل در مقاله پیش رو، بر این اساس می‌باشد که ممکن است فهم مسئله برای گروهی، اگر فقط متکی به مبانی عقلی و یا بررسی‌های تجربی باشد، فاقد اعتبار تلقی گردد. نکته مهم‌تر اینکه در ارتباط با متون اسلامی، فهم فرایند رشد اجتماعی به‌واسطه منطق تفسیری خاصی شکل می‌گیرد. این امر باعث می‌شود که هرچند در این باب، متفکران مسلمان در نهایت اندیشه خویش را مستند و منتهی به متون نمایند، لکن ممکن است منطق مواجهه ایشان با مسائل اجتماعی لزوماً در انطباق کامل با منطق تفسیر متون نباشد. علاوه بر این، در ارتباط با بلوغ اجتماعی باید گفت که هرچند در آیات و روایات به‌گونه مستقیم و به‌طور صریح اشاره‌ای به این پدیده نشده است، لکن از طریق واژه‌هایی چون مراحل رشد (حج/۵)، بلوغ اشد (غافر/۶۷)، قوت (روم/۵۴)، رشد (نساء/۶)، و... که به‌نوعی قرابت معنایی با این پدیده دارند، می‌توان از بلوغ اجتماعی بحث کرد؛ زیرا

بن‌مایهٔ هریک از این واژه‌ها نوعی رشد و تکامل است. بلوغ اجتماعی نیز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، جدای از فرایند رشد اجتماعی تحقق نمی‌یابد. ازاین‌رو، پرداختن به دیدگاه‌های رشد اجتماعی متناظر با مسئله تحقیق است. علاوه بر این، در دوره‌های متفاوتی که در روایات با عناوین سیادت، اطاعت و وزارت آمده است، در عین اینکه دلالت بر فرایندی از رشد اجتماعی دارد، بر کیفیت خاصی از آن نیز اشاره می‌کند. این مسئله در علوم جدید از قبیل روان‌شناسی نیز به‌صورت فرایندی از رشد پیگیری می‌شود؛ از جمله مراحل رشدی که توسط اریکسون ارائه گردیده است.

۲-۲. از منظر متون اسلامی

مراحل رشد انسان شامل دوره‌های پیش از تولد، کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و پیری است که به دوره‌های مذکور در آیات و روایات اشاراتی شده است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا﴾ (نوح/۱۴)؛ در حالی که شما را به‌صورت مرحله‌به‌مرحله آفریده است.

این آیه دلالت دارد بر اینکه موجود انسانی، آفرینش‌ها و حالات گوناگونی دارد. این موجود انسانی بعد از طی مراحل، در یک دوره و زمان خاصی متولد می‌گردد. قرآن کریم ویژگی این مرحله را این‌چنین بیان می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا﴾ (نحل/۷۸)؛ و خداوند شما را از شکم‌های مادرانتان بیرون آورد، در حالی که چیزی نمی‌دانستید.

این آیه تصریح دارد که انسان در این دوره، هیچ‌گونه قابلیت‌های بالفعلی برای بقای خویش ندارد (مغنیه، ۱۳۷۸: ۸۲۳/۴؛ نیز رک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۵۱/۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۶۷/۱۱)؛ بلکه برای رشد و فعال کردن استعدادهای خویش در طول زمان نیازمند به عوامل، شرایط و... است. از این جهت در سوره مبارکه اسراء آمده است:

﴿وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا...﴾ (اسراء/۲۴)؛ و بگو ای پروردگار من، آنان را مشمول رحمت قرار بده، به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند....

در این آیه، عبارت ﴿رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ دلالت بر اولین پیوند اجتماعی (قرشی بنابی، ۱۳۷۸:

۵۸/۶) و به نوعی تربیت‌پذیری کودک به عنوان موجودی اجتماعی بعد از تولد، برای رشد دادن استعدادها و قابلیت‌هایش دارد. بنابراین بالفعل شدن قابلیت‌های اجتماعی کودک از هنگام تولد ضروری و بایسته است که این مهم به تدریج و در طول دوره‌های مختلف زمانی صورت می‌پذیرد؛ به گونه‌ای که هریک از این مراحل ملازم با اقتضائات و ویژگی‌های خاصی است که اگر به نحو مناسب مورد توجه قرار گیرد، کودک در دوره جوانی به بلوغ اجتماعی می‌رسد. برای نمونه در قرآن کریم، از مرحله بعد از کودکی با عنوان «قوت» تعبیر شده است:

﴿ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً﴾ (روم/ ۵۴)؛ سپس بعد از ضعف، قوت قرار داد.

این بیان که به صورت مطلق آمده است، می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که در ضمن اینکه طفل مراحل رشد تکوینی خویش را طی می‌کند و به مرحله قوت می‌رسد، اگر زمینه‌ها، شرایط و عوامل، درست به فعلیت رسیده باشند، از منظر اجتماعی، جوان در این مرحله به نحو مناسبی نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی خویش را فراگرفته است. بنابراین انسان در آفرینش خویش تمام مسائل مرتبط با زندگی اجتماعی را به صورت ثبت شده با خود به همراه ندارد (شکوهی، ۱۳۶۶: ۲۵۵). کودک برای ورود موفقیت‌آمیز در جامعه باید آمادگی کسب کند و تجربیات درست زندگی را بیاموزد.

فرایند آماده شدن افراد برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌های اجتماعی را می‌توان در

این روایت گران‌بهای امام صادق علیه السلام مشاهده کرد:

«دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيُؤَدِّبْ سَبْعَ سِنِينَ وَالْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ» (صدوق، ۱۳۹۰: ۳/۳۱۸)؛ فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار بازی کند، و هفت سال او را با آداب و روش‌های مفید و لازم تربیت کن و در هفت سال سوم، مانند یک رفیق ملازم و مصاحبش باش.

این روایت، فعال کردن قابلیت‌های کودک را در چهارچوب سه دوره نمایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که با عبور از هر دوره با اقتضائات خاص هریک، در نهایت وارد دوره الزام و استخدام یعنی دوران کارآموزی و تجربه زندگی می‌شود (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۴۳). در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز با همین مضمون، اشاره به رشد کودک شده است:

«کودک، هفت سال پرورش یابد، هفت سال ادب‌آموزی شود و هفت سال به خدمت درآید» (صدوق، ۱۳۹۰: ۳/۴۹۳).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این روایت نیز به فرایندی در ارتباط با رشد فرزند اشاره شده است که از پرورش وی آغاز می‌گردد و به مرحله فعال شدن و به کار گرفتن منتهی می‌گردد. در این باب، هرچند روایات متعددی بیان شده است که شامل دوره‌های دو یا سه‌مرحله‌ای از رشد است، لکن روح مسئله که فرایندی بودن تربیت و آماده شدن کودک جهت قبول مسئولیت‌های اجتماعی باشد، کاملاً در هریک از روایات مشهود است.

۳-۲. از منظر متفکران مسلمان

متفکران متقدم در این باب، گاه به صورت مستقیم و گاه غیرمستقیم اندیشه‌ورزی نموده‌اند؛ از جمله می‌توان به ابونصر فارابی (۲۵۹ ق.) اشاره کرد. به باور او، انسان موجودی اجتماعی است و کمال وجودی انسان در وجود هیچ فردی به صورت بالفعل وجود ندارد و هیچ انسانی در ابتدای وجودش مفلطح بر کمال و رشد نیست؛ ازاین‌رو، رسیدن به رشد از طریق فطرت مقدور نبوده و نیازمند افعال اختیاری و ارادی اوست (فارابی، ۱۴۰۵: ۱۰۰) و به عبارتی، نیازمند به اکتساب و به دست آوردن است. این مطلب را نیز اخوان‌الصفاء متذکر شده‌اند. ایشان در قالب تمثیلی بیان نموده‌اند که تعدادی از انسان‌های مؤمن و صالح، بر اثر غرق شدن کشتی به جزیره‌ای رسیدند که اهل آن را افراد فاسق، فاجر و متمایل به شهوت نفسانی تشکیل می‌دادند. سرانجام این افراد بر اثر مجالست با گروه جدید و زندگی با آنان، حالت جدیدی به خود گرفته و همانند آنان شدند. این مطلب دلالت دارد که این گروه، معتقد به اجتماعی شدن افراد جامعه در پرتو گروه‌های اولیه و ثانویه هستند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵: ۸۱). بنابراین می‌توان این گونه استنباط کرد که توانمند بودن یا نبودن نوجوان در ایفای نقش‌های اجتماعی، مشروط به کیفیت تأثیرپذیری‌اش از گروه‌های جامعه است.

۱. نام گروهی سری است که فعالیت خود را در قرن سوم هجری شروع کردند و اوج معروفیت این گروه در اواخر قرن چهارم هجری بوده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵: ۶۷).

ابن خلدون (۷۲۳ ق.) نیز در این ارتباط معتقد است که فرهنگ در فرایند جامعه‌پذیری، طبیعت ثانوی فرد می‌شود که جز آن هویتی ندارد و یا اگر هم داشته باشد، بسیار کم‌رنگ و در حد قوه و استعداد است (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۲۳۶). خواجه نصیرالدین طوسی (قرن هفتم هجری) برای رشد اجتماعی فرزندان، در کتاب *اخلاق ناصری* به پدران و مادران توصیه می‌کند که از همان آغاز، کودکان خود را به کار و فعالیت وادارند تا با سردی و گرمی زندگی اجتماعی آشنا شده و ازاین طریق در بزرگسالی برای زندگی اجتماعی آمادگی داشته باشند (نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۴: ۳۹۴)؛ زیرا زندگی اجتماعی دارای فوت‌وفن خاصی است و هرکسی نمی‌تواند در این عرصه موفق گردد، مگر آنکه به خصوصیات زندگی اجتماعی آشنا شده باشد (رشیدیپور، ۱۳۷۳: ۲۷). ملاصدرا فیلسوف و حکیم قرن دهم نیز اشاراتی در باب فرایند تربیت انسانی دارد. از نظر ملاصدرا، قوه و فعل با هم حرکت می‌کنند و درجات کمال را می‌پیمایند و در مراتب کمال دگرگونی می‌یابند. در برابر هر استعدادی، فعلیت ویژه‌ای است و در مقابل هر بدنی، نفسی معین. پس محال است نفسی که درجات نباتی و حیوانی را گذرانیده است، دوباره به مرحله قبل بازگردد و تا هنگامی که جنین در رحم است، صورتش از درجه نفس نباتی تجاوز نمی‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۹۱۳). براین اساس در هریک از مراحل شکل‌گیری نفس، ساخت و عملکرد خاصی وجود دارد که نیازمند برنامه‌های تربیتی متناسب است. با این توضیح می‌توان گفت که برای رسیدن به بلوغ اجتماعی، اقتضائات هریک از دوره‌های رشد باید مدنظر باشد.

متفکران متأخر نیز در این باب، تأملات و نظرات مهمی دارند که به فراخور مسئله تحقیق به چند نمونه اشاره می‌شود. علامه طباطبایی در ارتباط فرد و جامعه، نیرو و اراده جامعه را قوی‌تر از نیروی فردی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۵۳/۴-۱۵۴). علامه در توضیح علت تأثیرپذیری فرد از جامعه، به ویژگی الگوپذیری فرد از اطرافیان اشاره می‌کند (همان: ۱۱۷/۴). نتیجه این مسئله می‌تواند هم شکوفایی استعدادهای فردی باشد و هم فرد از نظر اجتماعی مسئولیت‌پذیر می‌شود (همان: ۱۵۳/۴-۱۵۴). شهید مطهری نیز در این باب معتقد است که انسان هرچند فعالیت‌های خویش را برای ارضای یک تمایلی انجام می‌دهد، لکن در بعضی از افعال مستقیماً خود فعل را نمی‌خواهد؛ بلکه بسا هست که

آن فعل مقرون به رنج است، ولی انسان را به یک مقصود نهایی نزدیک می‌کند. در این گونه افعال لازم است که فایده طبیعی آن‌ها را بداند و قواعد صحیح آن‌ها را فهم کند تا آن‌ها را طوری انجام دهد که به نتیجه مطلوب، یعنی چیزی که مستقیماً آسایش و آرامش خاطر را فراهم می‌کند و یک تمایلی را خشنود می‌سازد، برسد. در این گونه موارد، راهنمای انسان فقط فکر و اندیشه است و از این جهت باید از طریق تجربه، تعقل، تعلیم و تعلم به دست آید (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۹۸/۲). بنابراین موجود انسانی در ناحیه خصلت‌ها، موجودی بالقوه است؛ یعنی در آغاز تولد فاقد خوی و خصلت است.

۳. فرایند بلوغ اجتماعی در دوره وزارت (از ۱۴ تا ۲۱ سالگی)

انتقال از دوره نوجوانی به دوره بزرگسالی فرایند خاصی دارد؛ زیرا در این زمان از یک سو نوجوان با بلوغ جنسی و جسمی مواجه است و از سوی دیگر، خانواده، فرهنگ و جامعه از او می‌خواهند تا مستقل باشد، روابط جدیدی با همسالان و بزرگسالان برقرار کند و درعین حال، آمادگی و مهارت‌های لازم را برای زندگی اجتماعی کسب کند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۲/۲-۱۳). بنابراین فرایند انتقال از کودکی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی با تحولات خاصی همراه است. قرآن کریم در ارتباط با این مسئله می‌فرماید: ﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (نور/ ۵۹)؛ هرگاه طفلان به حلم رسیدند، لازم است که اجازه بگیرند.

طبق این آیه، نوجوانی مرحله بلوغ حلم است که توسط بعضی از مفسران به خواب و رؤیا معنا شده است؛ زیرا که در این زمان، نوجوان در خواب صحنه‌هایی را می‌بیند که سبب احتلام وی می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۵۴۱/۱۴). از این رو، این مرحله آغازی برای ورود و پای نهادن به دوره جدیدی از زندگی، شیوه ایفای نقش و رهنمودهای فرهنگی مرتبط با آن است که می‌توان آن را دوره اول وزارت نامید؛ دوره‌ای که در آن نوجوان با تغییر و تحولات جنسی مواجه است و درعین حال از نظر هویتی ممکن است در معرض آشفتگی قرار گیرد؛ یعنی این احساس در او شکل بگیرد که به جای اینکه در حال پیشرفت باشد، گویی در حال پس‌روی است (شرفی، ۱۳۸۹: ۱۹).

در ارتباط با دوره مهم دیگری از رشد آدمی، در آیه‌ای دیگر خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ...﴾ (نساء/ ۶):
یتیمان را بیازمایید تا زمانی که به حد ازدواج برسند؛ پس اگر در آنان رشد لازم را
یافتید، اموالشان را به خودشان دهید....

این آیه دلالت دارد که مال را نباید به کودک داد، مگر اینکه دارای دو ویژگی باشد؛
بلوغ و رشد (مغنیه، ۱۳۷۸: ۴۱۱/۲). از این آیه در ارتباط با مسئولیت‌های اجتماعی می‌توان
این‌گونه برداشت کرد که وقتی کودک در ضعف و ناتوانی، قابلیت ایفای نقش‌های
اقتصادی را ندارد، به‌طریق‌اولی قادر به ایفای نقش‌های مهم اجتماعی نیست؛ مگر آنکه
به حدی از رشد شناختی و اجتماعی رسیده باشد. ازاین‌رو، دوره دوم وزارت را می‌توان
آستانه دوره جوانی و دروازه ورود به بزرگسالی دانست که در آن فرد به حدی از رشد
شناختی و اجتماعی رسیده است؛ دوره‌ای که در آن جوان به‌علت بلوغ و رشد کافی
که در دوره‌های قبل و این دوره کسب کرده است، امکان تشکیل خانواده، انتخاب
شغل و... را می‌یابد. علامه طباطبایی در ارتباط با این موضوع می‌فرماید: این طرز
سخن در آیه بالا به ما می‌فهماند که رسیدن به حد ازدواج (بلوغ حلم)، علت تامه دادن
مال به یتیم نیست، بلکه مقتضی آن است؛ هنگامی علت تامه می‌شود که یتیم می‌تواند
مستقلاً در مال خود دخل و تصرف نماید که این مرحله، حد رشد در نظر گرفته می‌شود
(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۷۵/۴؛ نیز رک: طالقانی، ۱۳۶۲: ۲۳/۶). به عبارت دیگر، معنای این جمله
آن است که توانایی تولیدمثل و رسیدن به بلوغ جنسی که به‌صورت طبیعی در افراد
تحقق می‌پذیرد، نمی‌تواند به‌تنهایی عاملی برای قبول مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی
که همان بلوغ اجتماعی است، باشد؛ بلکه این امر نیازمند به رشد شناختی، اجتماعی و
کسب توانمندی‌ها و مهارت‌های لازم است که در فرایند جامعه‌پذیری در دوره‌های
سیادت، اطاعت و وزارت تحقق می‌پذیرد. بنابراین رسیدن به حد بلوغ طبیعی یعنی بلوغ
جنسی، هرچند عامل مهمی برای ازدواج است، لکن برای موفقیت در ازدواج و سایر
مسئولیت‌های اجتماعی، باید توانمندی اجتماعی و حدی از رشد به وجود آید؛ یعنی فرد
باید شایستگی و لیاقت اداره، نگهداری و بهره‌برداری از سرمایه‌ها و امکانات مادی و
معنوی را که به او سپرده می‌شود، بیابد. اگر فرد چنین آمادگی و قابلیت را از خود بروز
داد، می‌تواند در دخل و تصرف اموال و سایر مسئولیت‌های اجتماعی، موفق عمل نماید.

۴. ویژگی‌های مؤثر در فرایند بلوغ اجتماعی در دوره وزارت براساس آیات و روایات

۴-۱. کسب هویت اجتماعی

دوران وزارت مستلزم یکپارچه‌سازی جنبه‌های مختلف هویت، حل تعارضات میان آن‌ها و ایجاد شخصیتی رشد یافته است. در این دوره، فرد باید هویت خود را درک کند و بداند که کیست و چه جایگاهی دارد (آذربایجانی و شجاعی، ۱۴۰۰: ۱۳۱). براین اساس، اگر هویت اجتماعی در نوجوان به درستی شکل نگیرد، در این صورت به دل‌مشغولی‌های بی‌هدف سرگرم می‌شود و دیگر نقشی برای خویشتن در جامعه نمی‌یابد و از این طریق، بخش عمده‌ای از فرصت‌ها و انرژی‌هایش را در اموری صرف می‌کند که به توانمندی‌اش در زندگی اجتماعی منتهی نمی‌گردد. بنابراین اگر قوت و انرژی دوران نوجوانی با شخصیت درون‌تهی فرد پیوند بخورد، بلوغ اجتماعی‌اش را به تأخیر می‌اندازد؛ زیرا با کسب هویت اجتماعی، نوجوان نسبت به نقش‌ها و وظایف اجتماعی‌اش آگاه و توانمند می‌گردد که این امر از دوره‌های سیادت و اطاعت آغاز می‌شود، لکن با ورود نوجوان به دوره وزارت، با توجه به اینکه موقعیت سنی و خصوصیات روان‌شناختی و اجتماعی خاصی در وی پدیدار می‌شود، این دوره تأثیری به مراتب مهم‌تر در فرایند هویت اجتماعی دارد؛ زیرا اگر در این دوره، عوامل جامعه‌پذیری به درستی نقش خود را ایفا نمایند، در این صورت نوجوان در جایگاه وزارت قرار می‌گیرد و نسبت به «چه» یا «که» بودن خویش در جامعه آگاهی می‌یابد؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

«الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۴۷۶/۲۱).

این بیان اولاً به تفاوت دوران نوجوانی با کودکی اشاره دارد و ثانیاً تعبیر «وزیر» که در روایت آمده، بدین معناست که سازه‌های تربیتی با پذیرش مسئولیت و استقلال در نوجوان، زمینه را برای تثبیت و استمرار هویت اجتماعی‌اش مهیا و آماده می‌گردانند؛ زیرا وزیر علاوه بر اینکه مصاحبت و ملازمت والدین و... را با خود به همراه دارد، اما

از استقلال نسبی برخوردار است و می‌تواند جایگاه خویش در جامعه را به اثبات رساند.

بنابراین هویت اجتماعی به‌عنوان دانش و شناختِ شخص از منزلت و جایگاهش در جامعه (عمرانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷)، اهمیت فراوانی در بلوغ اجتماعی نوجوان دارد که این امر در فرایند جامعه‌پذیری و از طریق نهادهای واسطه از قبیل خانواده، مدرسه، رسانه‌های گروهی، مساجد و... تحقق می‌پذیرد. به عبارتی دیگر، هویت اجتماعی از خلال تعامل با دیگران و در جامعه شکل می‌گیرد؛ به این معنا که از این طریق، نوعی شاکله اجتماعی در نوجوان شکوفا می‌گردد. قرآن کریم در این ارتباط می‌فرماید:

﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرِيضَةً أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا﴾ (اسراء / ۸۴)؛ بگو هرکس طبق روش، خلق و خوی خود عمل می‌کند....

در این آیه، «شاکله» در اصل از ماده «شکل» به معنای مهار کردن حیوان است و «شکال» به خود مهار می‌گویند و چون روحیات، سجایا و عادات هر انسانی، او را مقید به شیوه‌های خاصی می‌کند، به آن «شاکله» می‌گویند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶۲/۱۳). بنابراین هر انسانی بر پایه شاکله و عادات خویش عمل می‌کند (طبرسی، ۱۳۵۰: ۱۹۸/۱۴) که می‌توان آن را هویت نامید (متقی‌فر، ۱۳۹۲: ۸۶). مصداق بارز و پراهمیت این هویت، هویت اجتماعی است که اگر این شاکله اجتماعی به‌درستی شکل بگیرد، در این صورت نوجوان می‌تواند نقش‌های خود را بر عهده گیرد و مسئولیت‌های خویش را به‌درستی ایفا نماید.

در ارتباط با تثبیت این شاکله اجتماعی، امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندش می‌فرماید:

«آنچه برای دیگران زشت می‌پنداری برای خودت هم زشت بدان».

در این فراز، ضمن توجه به هویت شخصی و فردی، به هویت اجتماعی یعنی آگاهی شخص نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی و وظایفی که در قبال دیگران دارد، اشاره شده است. نکته‌ای که باید بدان توجه نمود این است که جامعه‌پذیری هویت اجتماعی در نوجوان نباید صرفاً بعد دنیوی داشته باشد، بلکه آموزش مسئولیت‌های اجتماعی باید

به گونه‌ای باشد تا اثرات و پیامدهای اخروی هویت اجتماعی نیز محل توجه و عنایت قرار گیرد؛ یعنی نوجوان متوجه شود که نتیجه تمام اعمال و رفتارهای اجتماعی‌اش را در آخرت خواهد دید (همان). این مسئله برای نوجوان این فرصت را به وجود می‌آورد تا بتواند جزئیات محیط اجتماعی را بهتر درک کند و بر آن‌ها تأثیر گذارد. برای نمونه، ایستادگی برای دریافت حقوق مشروع و امتناع از پذیرش درخواست‌های غیرمنطقی با توجه به این امر امکان‌پذیر می‌گردد (نیکوگفتار و نقبایی، ۱۳۹۲: ۳).

۲-۴. توانمندی اجتماعی

نوجوان بعد از گذراندن دوره‌های سیادت و اطاعت، وارد دوره وزارت می‌گردد. در این دوره، اگر فرایند رشد اجتماعی به‌خوبی هدایت و تدبیر شده باشد، نوجوان در عرصه زندگی اجتماعی به‌عنوان فردی توانمند عمل می‌نماید. به عبارتی، بعد از شکل‌گیری مؤلفه‌های شخصیت، با تلفیق یکپارچه این قابلیت‌ها در نوجوان، نوعی ثبات نسبی در شخصیت وی پدیدار می‌گردد (ترنر، ۱۳۷۸: ۱۷۷). براین اساس، وی می‌تواند مسئولیت‌های بزرگ‌سالی از جمله ازدواج، انتخاب شغل و... را بر عهده گیرد. به عبارت دیگر، توانایی‌های شکل گرفته در فرد نوجوان باعث می‌شود تا بتواند در روند زندگی خویش، مسائل گذشته و آینده را با روشی معقول و منطقی پیش ببرد؛ زیرا قدرت لازم را چه در ابعاد شناختی و چه اجتماعی از دوره‌های قبل و از جمله دوره وزارت کسب کرده است. در ارتباط با قدرتمندی و توانمندی نوجوان نسبت به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در داستان حضرت موسی (علیه السلام) با دختران شعیب آمده است:

﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ (قصص / ۲۶)؛ یکی از آن دو گفت: ای پدر او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدام می‌کنی، آن کسی است که نیرومند و امین باشد.

در این آیه، بعضی از مفسران واژه قدرت را صرفاً توانایی جسمانی نمی‌دانند، بلکه معتقدند که منظور از آن، قوت و قدرت در «انجام مسئولیت» و توانایی در انجام کار است (طبرسی، ۱۳۵۰: ۵۲۱/۴؛ نیز رک: عاملی، ۱۳۶۰: ۲۲/۷). ازاین‌رو، فرد نوجوانی که فرایند بلوغ اجتماعی را به‌درستی طی کرده است، در این مرحله، با درک درستی از

ارزش‌ها و هنجارها، نقش‌های اجتماعی و... نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی، با ابتکارعمل، آگاهی، تجربه و قدرت وارد خواهد شد و ازاین طریق، زمینه‌های استقرار یک زندگی مشترک موفقیت‌آمیز را پایه‌گذاری می‌نماید. به عبارتی دیگر، جوان با یادگیری رفتارها و تجربیات صحیح، هم درک درستی از خویش‌نشدن می‌یابد و هم برداشت منطقی و استواری از معنا و مفهوم زندگی، ازدواج و شریک زندگی‌اش کسب می‌کند (شرفی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). ازاین‌رو می‌توان در این دوره، ازدواج را نقطه آغازین بلوغ اجتماعی دانست (همو، ۱۳۹۶: ۴۳)؛ زیرا ازدواج و تشکیل خانواده، سختی‌ها و مشکلات خاصی را به همراه دارد که تداوم و استمرار موفقیت‌آمیز آن در پرتو توانمندی اجتماعی حاصل می‌گردد. به همین علت است که تعالیم اسلامی، توصیه به تشکیل خانواده و ازدواج با توجه به شاخص‌ها و معیارهایی چون بلوغ اجتماعی، توانمندی اجتماعی و... دارند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۷: ۵۶/۲). برای نمونه، بعضی از روایات در باب معیارها و شاخص‌های انتخاب همسر، معیار شخصیت و بلوغ اجتماعی را بیان کرده‌اند؛ از جمله روایتی که از ازدواج با افرادی که وظایف و مسئولیت‌های همسری را نمی‌دانند، نهی کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۲۸/۲۰) یا روایتی که به ازدواج با مردان مسئولیت‌پذیر سفارش کرده است (همان: ۳۴/۲۰). بنابراین از روایات موجود می‌توان چنین برداشت کرد که جوان باید به‌نوعی بزرگ شدن و ارشدیت را در طی فرایند بلوغ اجتماعی به دست آورد که این امر (ارشدیت و بزرگی) به نسبت دوره‌های قبل، یک امتیاز محسوب نمی‌شود، بلکه نوعی مسئولیت است (شرفی، ۱۳۸۹: ۶۹)؛ مسئولیتی که غلظت و ابعاد وسیع‌تر و مهم‌تری نسبت به دوره‌های قبل یافته است و ازاین جهت باعث تداوم زندگی مشترک می‌شود. به عبارت دیگر، قدرت و توانمندی نوجوان باعث می‌شود که نه تنها بتواند برای آینده خویش برنامه‌ریزی نماید، بلکه حتی به‌علت برخورداری از رشد اجتماعی می‌تواند اشتباهات گذشته‌اش را جبران کند (آذربایجانی و شجاعی، ۱۴۰۰: ۱۳۲). از این جهت است که امام علی‌علیه‌السلام می‌فرماید:

«شَيْنَانٍ لَا يَعْرِفُ فَضْلَهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا؛ الشَّبَابُ وَالْعَافِيَةُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۷۱)؛
از بین همه نعمت‌ها، دو چیز اهمیت بیشتری دارد: یکی جوانی و دیگری سلامتی.

زیرا اگر سازه‌های تربیتی، قدر و فرصت این دوران را در رشد اجتماعی فرزندان

به‌درستی فهم و تدبیر نمایند، در این صورت فرصت نوجوانی در ارتباط با کسب بلوغ اجتماعی و توانمندی ایشان در ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی معطوف خواهد شد.

۵. کارکرد آشکار بلوغ اجتماعی

۱-۵. ازدواج بهنگام (کاهش فاصله بلوغ اجتماعی از بلوغ زیستی)

ازدواج یکی از اساسی‌ترین مقاطع زندگی هر انسانی به شمار می‌رود. مسئله ازدواج و زناشویی علاوه بر ادیان و مذاهب، مورد توجه حوزه‌های گوناگون علمی از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق و... نیز می‌باشد؛ زیرا بقای خانواده و جامعه منوط به بقا و سازمان‌دهی نهاد ازدواج است (آزادآرمکی، ۱۳۸۶: ۹۹). این امر، اهمیت برنامه‌ریزی جهت تسهیل و تسریع آن را گوشزد می‌نماید. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَّامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَأَمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور/ ۳۲)؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید؛ همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است.

در تفسیر این آیه گفته شده است: با وجود اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل دیگری است، لکن تعبیر وجوبی «أنکحوا» مفهومش این است که باید مقدمات ازدواج آن‌ها را فراهم سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴/۴۵۷). همچنین برخی دیگر از بزرگان معتقدند که فعل «أنکحوا» ظهور در وجوب دارد و به این معناست که آیه شریفه، ازدواج را وظیفه‌ای برای عموم افراد جامعه از جمله پدر و مادر می‌داند (امینی، ۱۳۹۸: ۱۰۱). بنابراین با عنایت به این آیه می‌توان گفت که بلوغ اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در ازدواج است که در طی فرایند رشد اجتماعی و در ارتباط با تکالیف سازه‌های جامعه‌پذیری محقق می‌شود. کارکرد مستقیم و آشکار این پدیده، آن است که جوان را برای ازدواج و تشکیل خانواده توانمند می‌گرداند. توضیح مطلب اینکه عبور از مرحله کودکی به بزرگ‌سالی، نیازمند دستیابی به هویت جنسی و نقش جنسیتی، به دست آوردن

مفهوم روشنی از «خود»، رشد و استحکام آن و ارزش گذاشتن به «خود» است که این مهم در فرایند بلوغ اجتماعی حاصل می‌گردد و از این طریق، بلوغ اجتماعی به واسطه ازدواج تأیید می‌شود (فولادی، ۱۳۹۳: ۹۰). نکته شایان توجه این است که بلوغ جنسی در نوجوان همواره با تغییر و تحولات فیزیولوژیکی خاصی همراه است. در واقع نیروی جنسی، نوجوان را زیر تأثیرات سنگین و شدید خود قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که نوجوان خود را در چنگال قوی این غریزه، تقریباً بی‌دفاع و آن را خارج از اراده و کنترل شخصی احساس می‌کند. به همین دلیل، ظهور و بروز این غریزه خواه‌ناخواه با مشکلاتی توأم است و باعث می‌شود به تدریج با هزاران تصور و احساس دیگر همراه شود (همان: ۱۶). علاوه بر این تأثیرات، کاهش سن بلوغ جنسی و افزایش سن ازدواج به علت فقدان بلوغ اجتماعی، می‌تواند آسیب‌های اجتماعی، جمعیتی، فرهنگی و... را نیز به همراه بیاورد و این موارد به نوبه خود چرخه زندگی فرد و جامعه را دستخوش تحولات و تغییرات خاصی می‌نماید. برای نمونه، مهم‌ترین اثر آن از نظر جمعیت‌شناسی، ایجاد دگرگونی در الگوهای زادوولد است. کاهش باروری در کشورهای مختلف از جمله ایران، بیشتر نتیجه ازدواج‌های دیر هنگام است (عمرانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸). افزون بر این، ازدواج دیر هنگام می‌تواند ساختار خانواده، تعامل اعضای آن با یکدیگر و الگوهای رفتاری افراد خانواده را نیز متأثر سازد (همان: ۲۸). همچنین می‌توان در این باب به دیدگاه کوهن استناد نمود که معتقد است انحرافات اخلاقی و اجتماعی جوانان از نظر نوع انگیزه با بزرگ‌سالان تفاوت‌های اساسی دارد. براساس یافته‌های او، افراد بزرگ‌سال و کسانی که نقش آنان تا حدودی در خانواده و جامعه احراز شده است، اگر اقدام به عمل خلاف کنند و مثلاً دست به خودکشی، خانه‌گریزی و روابط جنسی با دیگران بزنند، ممکن است به خاطر مشکلات اقتصادی، عدم رضایت از زندگی و فزون‌خواهی باشد؛ اما بخش عمده انحرافات اخلاقی جوانان ریشه در نیازهای عاطفی و جنسی آن‌ها دارد که به خاطر محرومیت و فراهم نبودن شرایط ارضای مناسب و مشروع آن، به جستجوی راه‌های دیگر برای رسیدن به آن‌ها برمی‌آیند (Cohen, 1982). این مسائل و آسیب‌ها، تدبیر و برنامه‌ریزی جهت ازدواج به موقع را امری ضروری و بایسته می‌سازد. به همین علت است که در تعالیم اسلامی به تسریع و تسهیل ازدواج اشاره شده است؛ از جمله روایتی

که می‌فرماید:

«عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ [ع] أَسْأَلُهُ عَنِ النِّكَاحِ فَكَتَبَ إِلَيَّ مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضِيَّتُمْ دِينَهُ وَأَمَانَتَهُ فَرَوْجُوهُ؛ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ» (کلینی، ۱۴۱۱: ۳۴۷/۵)؛ حسین بن بشّار واسطی گوید: نامه‌ای به امام جواد [ع] نوشتم و در آن از امام در مورد ازدواج پرسیدم. امام در جوابم مرقوم فرمود: کسی که برای خواستگاری نزد شما آمد و دین‌داری و امانت‌داری او برایتان رضایت‌بخش بود به او همسر دهید؛ اگر این کار را انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می‌دهد.

بنابراین می‌توان تحلیل کرد که آیات و روایاتی که در این باب بیان شده‌اند، از سویی دلالت بر تسهیل و تسریع در ازدواج دارند و از سوی دیگر نیز با بیان فرایند رشد و ارائه دوره‌هایی از تربیت فرزند در قالب سیادت، اطاعت و وزارت، کوشش می‌شود تا با بلوغ اجتماعی، دامنه افزایش سن ازدواج و فاصله از بلوغ جنسی با توانمند کردن فرزندان در مسئولیت‌های اجتماعی به حداقل برسد. در واقع، افراد باید به گونه‌ای جامعه‌پذیر شوند که هنگام بلوغ جنسی، از بلوغ اجتماعی و آگاهی لازم برای ازدواج برخوردار باشند (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶: ۵۳). اهمیت این مسئله در اینجاست که سن بلوغ جنسی در اکثر جوامع با توجه به تحولات اجتماعی، فرهنگی، فناوری و... کاهش یافته است. این مسئله هم‌پوشانی نسبی بلوغ جنسی و اجتماعی را برای زودتر وارد شدن در عرصه جامعه و قبول مسئولیت‌های اجتماعی از قبیل ازدواج و... ضرورت می‌بخشد. در غیر این صورت، بلوغ جنسی که باید از آن به‌عنوان یک فرصت استفاده کرد، تبدیل به تهدیدی جدی برای جوانان و جامعه خواهد شد؛ همان‌طور که در لسان روایات، این تهدید تعبیر به فتنه کبیر شده است. این امر در واقع به واسطه تدبیر و راهبری سازه‌هایی چون خانواده، گروه همسالان، رسانه، مساجد، مدرسه و... در فرایند بلوغ اجتماعی و به‌ویژه دوره وزارت تحقق می‌یابد. در ارتباط با خانواده باید گفت که اگر والدین وظایف و تکالیف مرتبط با نقش‌های خویش را به‌درستی انجام دهند و در این مسیر دچار فشار نقش، تعارض نقش و جابه‌جایی در نقش نگردند، در این صورت با انتقال درست ارزش‌ها، هنجارها و تجربیات به فرزندان، زمینه را برای پختگی اجتماعی ایشان در نقش‌های

اجتماعی مهیا می‌سازند. همچنین باید توجه داشت که نوع روابط در محیط خانواده، الگوی خوبی برای تنظیم و به عهده گرفتن نقش در محیط خارج از خانواده است (سیف و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۸۰). از این رو، تعاملات خانوادگی اگر مقرون به احساسات سرد و خنثی گردد و برای نمونه فضای نشوز، چه از سوی مرد و چه از سوی زن، بر خانواده حاکم باشد، در این صورت تعاملات پیوسته که باعث هم‌افزایی می‌شوند، تبدیل به تعاملات گسسته می‌گردند (صدیق‌اوری، ۱۴۰۰: ۲۴۲). این امر، اثرات تربیتی را به حداقل می‌رساند و مانع از انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به فرزندان می‌شود. سازه مهم دیگر، گروه همسالان است. نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که ساخت‌های اجتماعی دارای قدرت و اعمال اقتدار بر ما هستند؛ آن‌ها ما را تحت فشار قرار می‌دهند تا آنچه را که می‌خواهند، انجام دهیم (ترنر، ۱۳۷۸: ۱۱۸). از این رو هرگاه فشار گروه همسالان در جهت همکاری، مسئولیت‌پذیری و... باشد، به‌طور طبیعی بخش مهمی از افکار و صفات اجتماعی این‌چنین را در نوجوان راسخ و درونی می‌گردانند. سازه مهم دیگر مدرسه است. در واقع، یکی از عناصر اساسی و بااهمیت در بلوغ اجتماعی فرزندان، نهاد آموزش و پرورش است. این نهاد برای بلوغ اجتماعی، در کنار تقویت رفتارهای اجتماعی مناسب و مطلوب، باید به آموزش رفتارها و مهارت‌های اجتماعی لازم برای موفقیت در زندگی مبادرت ورزد؛ چراکه مدرسه صرفاً مکانی برای پر کردن ذهن متربیان نیست. این رویکرد نمی‌تواند تغییری در طرز تفکر و عادات فرد به وجود آورد (شریعتمداری، ۱۳۸۸: ۱۲۲). سازه مهم دیگر مسجد است که به‌عنوان یک پایگاه مهم در رشد اجتماعی نوجوان می‌تواند مؤثر واقع گردد؛ زیرا در سایه آمدورفت به مساجد، خلق‌وخوها، آداب و منش‌های افراد ظهور و بروز می‌یابند و از این طریق امکان فراگیری رفتارها و ارزش‌ها برای نوجوانانی که در سن تأثیرپذیری و الگوگیری قرار دارند، مهیا می‌گردد. در مساجد، اعمال تربیتی رنگ الهی به خود می‌گیرند. این امر در تثبیت روابط پدیدآمده مؤثر واقع می‌گردد و مشارکت اجتماعی برآمده از این نهاد و الزامات تربیتی ناشی از آن به‌خاطر همین صبغه الهی می‌تواند کارکردی مناسب‌تر و کاراتر از عضویت و مشارکت در سایر حوزه‌های تربیتی داشته باشد. عامل مهم و بنیانی دیگر، رسانه‌های جمعی و اجتماعی هستند که می‌توان آن‌ها را در قالب یک نوع محیط

رسانه‌ای یا مجازی و... در نظر گرفت. رسانه‌ها در شکل‌دهی به باورهای نوجوانان راجع به زندگی خانوادگی تأثیرات جدی دارند. رسانه‌ها خانواده‌های نمونه را برای نوجوانان معرفی می‌کنند و بر ارزش‌های خاصی تأکید می‌ورزند. همچنین رسانه‌ها به یک معنا نمایش‌دهنده نقش‌های خانوادگی هستند (دادگران، ۱۳۸۹: ۱۱۴). ازاین‌رو، اگر رسانه‌ها تهی از آموزش صحیح نقش‌ها و مهارت‌های اجتماعی باشند، می‌توانند باعث دیرکرد در بلوغ اجتماعی شوند.

نتیجه‌گیری

دوره وزارت طبق آیات قرآن کریم، دوره‌ای است که نوجوان در طی آن، آماده کسب هویت اجتماعی و توانمندی در ایفای نقش‌های اجتماعی می‌شود. عوامل اجتماعی شدن با فهم این موضوع، بلوغ جنسی و رشد اجتماعی را که ممکن است در آن‌ها نوجوان به علت نقص در فرایند جامعه‌پذیری دچار بحران و سردرگمی شود، باید هدایت و راهبری مطلوب نمایند. آنچه از آیات و روایات در این ارتباط برداشت می‌شود این است که شاکله اجتماعی در نوجوان از طریق تعامل در جامعه و در ارتباط با عوامل اجتماعی شدن شکل می‌گیرد. ازاین طریق نوجوان فهم و درکی نسبت به جایگاه خود در جامعه می‌یابد. این مسئله موجب کنش‌های اجتماعی و به تبع کسب هویت اجتماعی می‌شود. نوجوان ازاین طریق مسئولیت خویش را در جامعه می‌یابد و با تثبیت هویت اجتماعی و توانمندی در اداره امور، قادر به ازدواج بهنگام، استمرار زندگی و حل مسائل آینده و گذشته می‌گردد و بدین ترتیب فاصله بلوغ اجتماعی از بلوغ زیستی به حداقل می‌رسد. در نقطه مقابل، اگر فرزندان توانمند تربیت نشوند و هنجارهای مرتبط با ایفای نقش‌های اجتماعی را به‌درستی فرا نگیرند، در این صورت نوجوان در میان گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی نمی‌تواند کارش را به‌درستی انجام دهد و از این جهت احساس بی‌هویتی و سردرگمی خواهد نمود.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آذربایجانی، مسعود، و محمدصادق شجاعی، *روان‌شناسی در نهج البلاغه (مفاهیم و آموزه‌ها)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰ ش.
۴. آزادآرمکی، تقی، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران، سمت، ۱۳۸۶ ش.
۵. ابراهیمی پور، قاسم، ۱۳۹۶، *راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۶ ش.
۶. ابن‌خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه ابن‌خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹ ش.
۷. اتکینسون، ریتا ال.، و همکاران، *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*، ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران، چاپ بیست و یکم، تهران، رشد، ۱۳۸۳ ش.
۸. احمدوند، محمدعلی، *بهداشت روانی*، تهران، پیام نور، ۱۳۸۹ ش.
۹. امینی، ابراهیم، *ازدواج، موانع و راه‌حل‌ها*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۸ ش.
۱۰. ترنر، جان‌تان‌اچ.، *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی*، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و دررالحکم*، تصحیح سیدمهدی رجائی، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. جمعی از نویسندگان، *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام*، تهران، سمت، ۱۳۹۵ ش.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیه السلام)، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. حیدری، محمدشریف، *جامعه‌پندیری دینی در ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام)، ۱۳۹۲ ش.
۱۵. دادگران، سیدمحمد، *مبانی ارتباطات جمعی*، تهران، مروارید، فیروزه، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶ ق.
۱۷. رشیدپور، مجید، *آموزش خانواده*، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳ ش.
۱۸. سیف، سوسن، پروین کدیور، رضا کرمی نوری، و حسین لطف‌آبادی، *روان‌شناسی رشد*، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. شجاعی، محمدصادق، «نظام تحول روانی از تولد تا مرگ بر پایه منابع اسلامی»، *دوفصلنامه روان‌شناسی فرهنگی*، سال چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
۲۰. شرفی، محمدرضا، *جوان و بحران هویت*، تهران، سروش، ۱۳۸۹ ش.
۲۱. همو، *جوان و نیروی چهارم زندگی*، تهران، سروش، ۱۳۹۶ ش.
۲۲. شریعتمداری، علی، *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. شکراله‌زاده، معصومه، *پریسازادات سیدموسوی*، علی‌زاده‌محمدی، غفار نصیری هانینس، مریم مهدی‌عراقی، «رابطه دل‌بستگی به والدین و همسالان با بلوغ اجتماعی نوجوانان؛ بررسی نقش میانجی دل‌بستگی به همسالان»، *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، سال هفدهم، شماره ۲ (پیاپی ۶۰)، تابستان ۱۴۰۰ ش.

۲۴. شکوهی، غلامحسین، «ماهیت مراحل رشد و فلسفه دوره‌های تحصیلی»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۶۸ ش.
۲۵. همو، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، مشهد، به‌نشر وابسته به آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ ش.
۲۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکیه*، تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، مشهد، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۰ ش.
۲۷. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *من لایحضره الفقیه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۲۸. صدیق اورعی، غلامرضا، احمد فرزانه، مهدیه باقری، و سیده‌شیوا محمدی، *مبانی جامعه‌شناسی (مفاهیم و گزاره‌های پایه)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰ ش.
۲۹. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، چاپ چهارم، تهران، انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، مقدمه و پاورقی مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۸۶ ش.
۳۱. همو، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۳۲. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، *ترجمه تفسیر مجمع البیان*، ترجمه احمد بهشتی، تهران، فراهانی، ۱۳۵۰ ش.
۳۳. عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۶۰ ش.
۳۴. عمرانی، سید مسعود، حسین افسردیر، و مرجان‌سادات عمرانی، «راهکارهای تربیت اجتماعی و عاطفی نوجوانان در قرآن و احادیث»، *فصلنامه پژوهش‌نامه معارف قرآنی (آفاق دین سابق)*، سال ششم، شماره ۲۳، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۳۵. فارابی، ابونصر محمد بن محمد بن طرخان، *فصول منتزعه*، تحقیق فوزی متری نجار، تهران، مکتبه الزهراء، ۱۴۰۵ ق.
۳۶. فولادی، محمد، «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی»، *فصلنامه معرفت فرهنگی/ اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۴ (پیاپی ۲۰)، پاییز ۱۳۹۳ ش.
۳۷. قرشی بنابی، سید علی‌اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۸ ش.
۳۸. کریمی، عبدالعظیم، *آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی*، تهران، عابد، ۱۳۸۵ ش.
۳۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، تصحیح و تعلیق محمد جعفر شمس‌الدین، بیروت، دار التعارف، ۱۴۱۱ ق.
۴۰. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ دوازدهم، تهران، نی، ۱۳۸۳ ش.
۴۱. لطف‌آبادی، حسین، *روان‌شناسی رشد (۲): نوجوانی، جوانی و بزرگسالی*، تهران، سمت، ۱۳۸۷ ش.
۴۲. متقی‌فر، غلامرضا، «هویت بحران هویت با تأکید بر دوران جوانی»، *ماهنامه معرفت*، سال سیزدهم، شماره ۸۷، اسفند ۱۳۸۳ ش.
۴۳. محمدی، مهری، *بررسی تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵ ش.
۴۴. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر کاشف*، ترجمه موسی دانش، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ش.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش. و ۱۳۸۵ ش.

۴۶. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، *اخلاق ناصری*، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۴ ش.
۴۷. نیکوگفتار، منصوره، و میترا سادات نقبایی، «نقش آموزش ابراز وجود بر افزایش ابراز وجود و بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه اول دبیرستان»، *فصلنامه زنان و خانواده*، سال هشتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۴۸. وید، کرول، کرول تاوریس، دبورا زوسیر، و لورین ایلیس، ۱۳۹۷، *روان‌شناسی عمومی*، ترجمه محمد دهقانی و دیگران، تهران، رشد، ۱۳۹۷ ش.
49. Cohen, Albert K., "The Delinquency Subculture," in: Rose Giallombardo (Ed.), *Juvenile Delinquency: A Book of Reading*, New York, John Wiley & Sons, 1982.

